

بررسی رابطه توسعه پایدار اجتماعی و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد

معصومه مطلق^۱، نگین فرهادی پور^۲

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه توسعه ی پایدار اجتماعی و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد است. به منظور سنجش توسعه پایدار اجتماعی از سه شاخص مشارکت شهروندی، کیفیت محیط زندگی و دسترسی به منابع و امکانات استفاده گردید. روش پژوهش با توجه به موضوع تحقیق، توصیفی-پیمایشی بوده و جامعه آماری شهروندان مقیم شهر بروجرد هستند که در آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد ۳۲۶۴۵۲ نفر برآورد شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران تعداد ۳۸۴ نفر تعیین گردید. نمونه گیری در این پژوهش با نمونه گیری به روش خوشه ای انجام گرفته است. ابزار گردآوری داده در این تحقیق شامل پرسشنامه محقق ساخته است که بین حجم نمونه توزیع شده و پس از جمع آوری، داده های آنها با استفاده از تحلیل های آماری از قبیل آزمون های کولموگروف اسمیرنوف، همبستگی و رگرسیون با کمک نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین هر سه مولفه توسعه پایدار اجتماعی و حس تعلق مکانی شهروندان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می توان بیان داشت که برای بهبود حس تعلق مکانی شهروندان بایستی به بهبود شاخص های توسعه اجتماعی توجه ویژه نمود.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار اجتماعی، حس تعلق مکانی، مشارکت شهروندی، کیفیت محیط زندگی، دسترسی به منابع و امکانات.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۰۴

^۱ استادیار جامعه شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکزی، ایران (نویسنده مسئول) (Email: m-motlaq@iau-arak.ac.ir)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکزی، ایران (Email: farhadipoornegin9@gmail.com)

بیان مسئله

انسان محوری و حس تعلق شهروندان به شهر جزء اصلی‌ترین عوامل توسعه پایدار اجتماعی محسوب می‌شود، زیرا عدم چنین حس تعلقی به محیط زیست، موجباز خود بیگانگی افراد و اغتشاش هویتی می‌گردد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که حیات جمعی و روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد، مکان مندی و تعلق داشتن به مکانی خاص است. مکان مندی موجبات روابط پیچیده فرد با مکان را پدید می‌آورد. رابطه انسان و مکان سکونت مهم‌ترین وجه رابطه انسان با محیط است، آدمی بیشترین و مهم‌ترین ساعات زندگی خود را در مکان سکونت خود می‌گذراند و عمده روابط اجتماعی خود را بر اساس آن سامان می‌بخشد. انسان با محیط زندگی خود در می‌آمیزد و مکان یکی از مؤلفه‌های هویت بخش زندگی او می‌شود تا جایی که بخشی از وجود خود را با مکان می‌فهمد و به دیگران می‌شناساند. سالهاست که محققین در حوزه‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی به مطالعه رابطه انسان و محیط و عوامل موثر بر آن پرداخته‌اند. اما آنچه لزوم توجه به این امر را تشدید می‌کند رشد و گسترش شهرها و حومه‌های آن و سیر صعودی شهرنشینی طی سالیان اخیر است (شیخی و همکاران، ۱۳۹۴). یکی از مهم‌ترین جنبه‌های توسعه پایدار اجتماعی، تأثیرات آن بر حس تعلق مکانی است. اهمیت بحث حس تعلق مکان از آنجا ناشی می‌شود که انسان با عدم ادراک خود و رابطه‌اش با جهان پیرامون دچار هراس می‌شود. تعلق خاطر در این میان، ملجأ و پناهگاهی است تا انسان را از تعلیق‌رهایی بخشد (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹، ۱۱۴). امروزه با مشخص شدن ناپایداری‌ها و ضررهای فراوان آن در مسیر توسعه، پارادایم پایداری به عنوان مسئله‌ای مهم و ضروری نمود یافته و در طی دو دهه اخیر، توجه مجامع جهانی را به خود جلب کرده است (رکنالدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲). توسعه‌یابدار و به طور کلی مباحث پایداری، امروزه در زمینه‌های مختلفی وارد شده‌اند (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷) و ارتباط موضوعات مختلف با مباحث پایداری مورد توجه پژوهشگران بوده و اثرات موضوعات متنوع، بر پایداری و ناپایداری توسعه، مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته است. در این میان توافق عمومی وجود دارد که ابعاد مختلف توسعه پایدار-اجتماعی، اقتصادی، محیطی و نهادی- در گفتمان پایداری توسط سیاستگذاران به طور مساوی اولویت بندی نشده است (دراکاکیس-اسمیت^۱، ۱۹۹۵). سرمایه‌ی اجتماعی و دلبستگی مکانی از مفاهیم مهم و از دارایی‌های یک اجتماع محلی محسوب می‌شوند. ارزش‌های اجتماعی یک مکان می‌تواند حس تعلق و دلبستگی افراد به محل زندگی را بهبود بخشد و از این طریق پایداری و هویت مندی محلات را تضمین کند (نقدی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به مطالب گفته شده هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی توسعه‌ی پایدار اجتماعی و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد است.

پیشینه تحقیق

- کبیر (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی وضعیت حس تعلق مکانی در محله آباد شهر اردبیل پرداخت. نتایج تحقیق نشان داده است که میزان حس تعلق مکانی در محله آباد شهر اردبیل در حد متوسط است. ویژگی‌های فردی همچون تاهل، سن، درآمد، مدت اقامت و نوع مالکیت در میزان ارزیابی افراد از حس تعلق مکانی تأثیرگذار است. در مقابل ویژگی جنسیت، شغل و سواد تأثیری در ارزیابی افراد از حس تعلق مکانی نداشته است. نهایتاً اینکه بین حس تعلق مکانی با متغیرهای احساس امنیت، رضایت از خدمات شهری، کیفیت مسکن، مسایل زیست محیطی و فعالیت‌های اجتماعی و جمعی رابطه معناداری وجود دارد.
- معظمی‌گودرزی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر حس تعلق و سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار پرداختند. نتایج نشان دادند که حس تعلق محله‌ای بر سرمایه اجتماعی، حس تعلق محله‌ای بر توسعه پایدار محله‌ای، سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار محله‌ای، حس تعلق محله‌ای بر توسعه پایدار محله‌ای با میانجی‌گری سرمایه اجتماعی، و حس تعلق محله‌ای بر

چهار بعد (اجتماعی-فرهنگی، زیست-محیطی، اقتصادی، کالبدی) توسعه پایدار محله‌ای با میانجی‌گری سرمایه اجتماعی تاثیر مثبت و معناداری دارند.

- ضرغامی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به حس تعلق و پایداری اجتماعی و راهکارهای افزایش آن پرداختند. نتایج این پژوهش، بیانگر آن است که عواملی چون هویت، آسایش و امنیت اجتماعی در ایجاد حس تعلق به مکان از اهمیت والایی برخوردار هستند و ارتباطی مستقیم بین حس تعلق به مکان و پایداری اجتماعی وجود دارد و در انتها برای افزایش حس تعلق به مکان و به دنبال آن، رسیدن به پایداری اجتماعی، راهکارهایی ارائه می‌شود.
- عرفاتی و دشتی‌تهرانی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی نقش حس تعلق مکانی در دستیابی به اهداف پایداری اجتماعی پرداختند. آنها در پژوهش خود عوامل و ساز و کارهای مؤثر بر حس تعلق را شناسایی کرده و پیامدهای آن را در پایداری اجتماعی مشخص نمودند تا بر اساس آن، راهکارهای لازم را ارائه نماید. آنها در نتیجه‌گیری پژوهش خود بیان داشتند که به نظر میرسد، حس تعلق مکانی باعث افزایش پایداری اجتماعی می‌شود.
- نقدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در دل‌بستگی به مکان در محلات سنتی شهر همدان پرداختند. تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه‌های اجتماعی یک مکان تاثیر معناداری در فرآیند دل‌بستگی مکانی افراد نسبت به محله‌های مورد مطالعه دارد. در این روند و در فرآیند دل‌بستگی به مکان چهار عنصر انسان، مکان، ارزش‌های اجتماعی مکان و زمان، به عنوان بعد چهارم نقش موثری را می‌توانند در طراحی و ارتقای دل‌بستگی افراد به محلات شهری داشته باشند.
- نوروزی زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی مولفه‌های پایداری اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی منطقه ۵ تهران پرداختند. با این پیش فرض که پایداری اجتماعی باعث ارتقا حس تعلق ساکنین، مشارکت‌پذیری و افزایش تعاملات اجتماعی افراد می‌شود. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که مولفه‌های مشارکت، هویت، حس تعلق و امنیت به ترتیب بیشترین تاثیر را بر افزایش سطح تعاملات اجتماعی در بین ساکنین مجموعه‌های مسکونی دارند.
- جانکسی کیانا^۱ و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی حس تعلق مکانی مهاجران شهری از طریق چشم‌انداز چندمقیاس پرداختند. در حالی که تحقیقات در مورد حس تعلق به مکان نشان داده است که به این موضوع توجه کمی شده است. در این مقاله، با نگاه به مفهوم حس تعلق به مکان مهاجران شهری در دو کمیته جغرافیایی - یک مرکز فرهنگ اجتماعی و شهر گوانژو چین، این مفهوم چند کمیته، تحت نظریه‌پردازی مکان را بررسی نموده است. یافته‌های عمده در این تحقیق عبارتند از: ۱. در مقیاس فرهنگ مدار، وابستگی مکانی به شدت با هویت مکانی و وابستگی با مکان، هر دو همکاری می‌کند، در حالی که دو بعد اخیر می‌توانند به عنوان ساختارهای موازی مشاهده شوند. ۲. در مقیاس گوانژو، وابستگی مکانی مستقل از ابعاد هویت مکان و وابستگی است و از طرف دیگر، شناسایی مکان، تاثیری قوی بر روی پیوستگی با مکان دارد. ۳. وابستگی به مکان مهاجران در فرهنگ مدار، به طور قابل ملاحظه‌ای بر شناسایی مکان آنها نسبت به گوانژو، تاثیر دارد، که بیشتر بر پیوستگی با مکان مهاجران نسبت به شهر شرکت می‌کند.

چارچوب نظری

امروزه قریب به نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند. این دگرگونی عظیم در واقع نتیجه‌ای از رشد و توسعه صنعتی در جهان است که موجب تشدید فعالیت‌های آلوده‌کننده، در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ گردید. همگامی توسعه شهری و صنعتی شدن از یک سو و رشد شهرنشینی در سال‌های اخیر از سوی دیگر، پیامدهای زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی متعددی را در پی داشته است (نوابخش، ۱۳۸۸: ۳۸).

امروزه ادبیات توسعه با گذر از توجه صرف به سرمایه های فیزیکی، دیگر سرمایه های تاثیر گذار در فرایند توسعه همانند سرمایه های طبیعی، سرمایه های انسانی، سرمایه های اجتماعی (شامل: انسجام اجتماعی، اعتماد متقابل، مشارکت پذیری، برابری فرصت ها) را مورد توجه قرار می دهد (کلانترو برارپور، ۱۳۸۵). غالب محققین بنابر تعریف گزارش برانتلند، توسعه پایدار را در سه بعد زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار می دهند (تانگوای^۱، ۲۰۰۹). همچنین ایجاد تعادل و انجام تلفیق بین ابعاد یاد شده (زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی) مستلزم داشتن همکاری های ضروری و لازم محلی، ملی، منطقه ای، جهانی و ترتیبات نهادی و مدیریتی می باشد (زاهدی، ۱۳۸۵).

همچنین در این سالها تلاش شده است تا مفهوم پایداری اجتماعی به صورت تئوری عرضه گردد. بنابراین یک تعریف منسجم از پایداری اجتماعی و ارزش های مهم در خصوص برابری و دموکراسی باشد (ساجس^۲، ۱۹۹۹). پایداری اجتماعی به معنای حمایت از توزیع برابر منابع، حمایت از تنوع در جامعه، تلاش در جهت رفع نیازهای اساسی مردم و سرمایه گذاری در منابع انسانی و اجتماعی است، که از طریق آنها، اهداف کلیدی اقتصادی و زیست محیطی تحقق میابد (City Council of the city of Boulder، ۲۰۰۷).

بنا به نظر مکینزی توسعه پایدار اجتماعی، توسعه ای است که: نیازهای اساسی به غذا، سرپناه، آموزش، شغل، درآمد، شرایط زندگی و فعالیت را تامین می کند. عدالت خواه باشد و ایناطمینان را بدهد، که منابع توسعه کاملا در سراسر جهان به تساوی و منصفانه توزیع می شود. رفاه فیزیکی، ذهنی، اجتماعی جمعیت را ارتقاء داده و یا حداقل از بین ببرد. آموزش، خلاقیت و توسعه توان انسانی را برای کل جامعه ترویج نماید. میراث فرهنگی و زیستی را حفظ کرده و احساس ارتباط با تاریخ و محیط زیست را تقویت کند. مردم سالارانه باشد و مشارکت و دخالت شهروندان را ترویج کند. شرایط زندگی را بهتر کرده و بین طراحی شکل محل های عمومی شهر با رفاه اجتماعی کالبدی و شور و هیجان ساکنان شهر ارتباط برقرار نماید (مکینزی^۳، ۲۰۰۴).

دیدگاه مبتنی بر بعد اجتماعی رویکرد توسعه، با تکیه بر اصل عدالت اجتماعی برابری درون-نسلی، مفهوم پایداری را وارد پژوهش ها و تحلیل ها در سطوح پایین سازمان فضایی شهرها، یعنی مناطق و حوزه های اجتماعی شهری می کند (علوی تبار، ۱۳۷۸: ۱۲). بعد اجتماعی رویکرد توسعه پایدار متفکرین توسعه را بر آن داشت تا فراتر از مسئله حفظ محیط زیست گام بردارند و نیاز به برابری را در جامعه با تاکید بر کاهش تنش های اجتماعی، ترویج نقش خانوادها و اجتماعات و ترویج ارزشهای اجتماعی، پویایی جمعیت، درآمد و اشتغال، سلامت و بهداشت و مشارکت های مدنی مورد نظر قرار دهند، که به واقع موارد فوق می تواند از محورهای اصلی توسعه پایدار اجتماعی باشد و نقش مهمی در ارتقاء کیفیت زندگی ایفا نماید (لمپل^۴، ۲۰۰۵).

لینچ، ادراک تصور ذهنی مردم از شهر را به دلیل همین رابطه، بسیار مهم دانسته و اعتقاد دارد که حس تعلق مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار می کند و وحدت به وجود می آورد. در نتیجه مکان دارای سلسله مراتبی از بی تفاوتی نسبت به مکان تا فداکاری نسبت به مکان است. در مجموع حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می گردد. حس تعلق مکانی علاوه بر این که موجب احساس راحتی از یک محیط می شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دست یابی به هویت برای افراد می شود (فلاح، ۱۳۸۵، ۵۷).

¹-Tanguay

²-Saches

³-Mckenzie

⁴-Lample

حس مکان و یا تعلقاتی که شهروندان نسبت به جامعه دارند، یک پتانسیل موثر و یک مقیاس پایداری برای اجتماع است چراکه با حفظ و ارتقاء این حس به عنوان یکی از عوامل پایداری محیط های زیستی و کالبدی، می توان پایداری انسانی و به تبع آن پایداری اجتماع را تقویت نمود (حسینی بایگی و اکبری عربانی، ۱۳۹۳). امروزه ادبیات توسعه باگذر از توجه صرف به سرمایه های فیزیکی، دیگر سرمایه های تاثیر گذار در فرایند توسعه همانند سرمایه های طبیعی، سرمایه های انسانی، سرمایه های اجتماعی را مورد توجه قرار می دهد (کلانتر و برارپور، ۱۳۸۵: ۲). در سال های اخیر به ابعاد اجتماعی (پایداری اجتماعی) به عنوان مبنای توسعه پایدار نگریسته شده، که در ابتدا مفاهیم اقتصادی و زیست محیطی بر توسعه پایدار غالب بوده و علت آن به دلیل جنبش های زیست محیطی دهه ۱۹۶۰ و ماهیت غیرعینی و ناملموس جنبه های اجتماعی بوده است، اما رویکرد پایداری اجتماعی از سال ۲۰۰۰ به بعد جای خود را در ادبیات مربوط به توسعه پایدار باز کرده است (کولانتونیو، ۲۰۰۸). هر چند مفهوم توسعه پایدار به قدر کافی روشن است لیکن تفسیر و تعریف واقعی توسعه پایدار مباحث زیادی را در خصوص مدل های پیشنهادی جدید توسعه پایدار اجتماعی و رابطه مولفه های اجتماعی مختلف با آن، بوجود آورده است. و اگر مفاهیم توسعه پایدار بوسیله اصول جدید و پیش فرض های روش شناختی جدید تقویت شود، درک ماهیت پایداری و همراهی آن با تعریف جدید توسعه پایدار و معنی جدید مدیریت آن آسانتر خواهد بود. به طوریکه پژوهشگران در فرآیند توسعه پایدار، عمدتاً به دلیل سهولت ارزیابی و وجود شاخص های پایداری در ابعاد زیست محیطی و اقتصادی، این دو بعد را مد نظر قرار داده اند، لذا بعد اجتماعی توسعه پایدار، با توجه به ماهیت مضامین آن و عدم سهولت بررسی و سنجش، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پایداری نظام اجتماعی به معنای ارتقای کیفیت زندگی و توسعه منابع انسانی و در نهایت خود توانی اجتماعات محلی برای غلبه بر چالش ها و مسائل درونی و واکنش در برابر تغییرات بیرونی و مدیریت حفظ ارزش ها است. در این معنا اهداف اجتماعی توسعه پایدار در مضامین چون فرصت های برابر (درون و بین نسلی)، توانمندسازی، ارتقای کیفیت زندگی، کرامت و حقوق انسانی، فقرزدایی، تنوع فرهنگی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، ظرفیت سازی نهادی، امنیت اجتماعی، مسئولیت پذیری، رفاه اجتماعی و حس تعلق مکانی به شکلی گسترده مورد تأکید قرار گرفته است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۴). یکی از مولفه های مهم و پایه های اصلی در برنامه ریزی و توسعه پایدار اجتماعی این است که ساکنان به مکان و محیط خود چقدر تعلق خاطر دارند. حس تعلق مکانی به جنبه ذهنی رابطه میان انسان و مکان اشاره دارد (بذرافشان و همکاران، ۱۳۹۷).

فرضیه های تحقیق

۱. بین توسعه ی پایدار اجتماعی و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین میزان مشارکت شهروندی و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین کیفیت محیط زندگی و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین دسترسی به منابع و امکانات و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

در این تحقیق با توجه به موضوع تحقیق و در نظر گرفتن متغیرهای پژوهش که مستقیماً قابل مشاهده نبوده، روش پژوهش توصیفی - پیمایشی و ابزار پرسشنامه مناسب تر می باشد. همچنین از نظر هدف کاربردی است. هدف از به کارگیری این روش، جمع آوری اطلاعات درست و پی بردن به ذهنیت و احساس واقعی نمونه های انتخاب شده می باشد.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش حاضر، واحد تحلیل و واحد مشاهده شهروندان مقیم شهر بروجرد است که در آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد ۳۲۶/۴۵۲ نفر برآورد شده است. برای جامعه آماری این تحقیق حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین گردید. پس از انتخاب حجم نمونه پرسشنامه ها بین آنها توزیع و پس از پر کردن جمع آوری گردیده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

روش نمونه گیری

نمونه گیری در این پژوهش با روش خوشه ای انجام می گردد. در صورتی که فهرست کامل افراد جامعه مورد مطالعه در دسترس نباشد می توان افراد جامعه را در دسته هایی خوشه بندی کرد. سپس از میان خوشه ها به تصادف نمونه گیری به عمل آورده و تمام حجم خوشه را سرشماری می کنیم. برای این منظور فهرستی از این خوشه ها تهیه می شود و از آن به عنوان چارچوب نمونه گیری استفاده می شود. از آن جا که شهر بروجرد دارای دو منطقه است، از هر منطقه چند کوچه و از هر کوچه چند خانه به شکل تصادفی برای پژوهش انتخاب می شوند.

ابزار گردآوری

ابزار گردآوری داده در این تحقیق شامل دو مورد فیش برداری و پرسشنامه محقق ساخته است. برای طراحی گویه های مناسب و پایا برای سنجش آگاهی از توسعه پایدار، ابتدا یک پرسشنامه با حجم بیشتر گویه طراحی شد و بین ۴۰ نفر پخش شد، سپس با توجه به نتایج به دست آمده در آزمون آلفای کرونباخ، گویه هایی که باعث پایین بودن پایایی میشدند، حذف شدند. هم چنین جمله بندی برخی گویه ها نیز تغییر یافت. برای تعیین اعتبار ابزار اندازه گیری تحقیق (پرسشنامه) از طریق مراجعه به متخصصان (اساتید راهنما و مشاور) بهره گرفته شده است. همچنین برای سنجش پایایی پرسشنامه تعداد ۴۰ پرسشنامه بین جامعه آماری توزیع و آلفای کرونباخ آنها محاسبه گردید که نتایج به دست آمده برای تمامی متغیرها از ۰/۷ بیشتر بود.

تجزیه و تحلیل یافته ها

متغیرهای سن، جنسیت و تحصیلات و مدت اقامت مهم ترین متغیرهای زمینه ای مورد بررسی این پژوهش بوده اند. از نظر جنسیت، از مجموع کل افراد نمونه تعداد ۲۰۹ نفر زن هستند که ۵۴/۴۳ درصد از حجم نمونه را تشکیل می دهند. همچنین تعداد ۱۷۵ نفر معادل ۴۵/۵۷ از حجم نمونه نیز مرد هستند. از نظر سن، بیشترین فراوانی پاسخگویان، مربوط به پاسخگویان با دامنه ی سنی ۴۰-۵۰ سال بوده که ۱۳۴ نفر (۳۴/۸۹ درصد) از حجم نمونه ی آماری را تشکیل داده اند. کمترین فراوانی مربوط به پاسخگویان با دامنه ی سنی ۵۰-۶۰ سال بوده که ۵۱ نفر (۱۳/۲۸ درصد) از حجم نمونه ی آماری را تشکیل داده است. همچنین از نظر مدت اقامت، بیشترین فراوانی پاسخگویان، مربوط به پاسخگویان با مدت اقامت بیشتر از ۳۰ سال بوده که ۱۹۷ نفر (۵۱/۳۰ درصد) از حجم نمونه ی آماری را تشکیل داده اند. کمترین فراوانی نیز مربوط به پاسخگویان با مدت اقامت کمتر از ۱۰ سال بوده که ۴۴ نفر (۱۱/۴۶ درصد) از حجم نمونه ی آماری را تشکیل داده است.

آزمون فرضیه های تحقیق

در این بخش به آزمون فرضیه های تحقیق پرداخته می شود. این تحقیق دارای یک فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی می باشد که در ادامه هر یک از آنها مورد بررسی قرار می گیرند.

آزمون فرضیه اول: بین میزان مشارکت شهروندی و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد رابطه معناداری وجود دارد.

به منظور آزمون این فرضیه ابتدا به بررسی ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته پرداخته می شود که نتایج در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۱): همبستگی بین مولفه مشارکت شهروندی و حس تعلق مکانی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
مشارکت شهروندی	۰/۱۴۸	۰/۰۰۴

نتایج ضریب همبستگی ارائه شده در جدول بالا نشان می دهد که آزمون همبستگی بین مشارکت شهروندی و حس تعلق مکانی دارای سطح معناداری (۰/۰۰۴) است که از میزان ۰/۰۵ کمتر بوده و معنی دار است. بنابراین می توان نتیجه گرفت بین مشارکت شهروندی و حس تعلق مکانی همبستگی مثبت و معناداری به میزان ۰/۱۴۸ وجود دارد.

در ادامه به بررسی آزمون رگرسیون برای این فرضیه تحقیق پرداخته می شود که نتایج آن در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون رگرسیون برای فرضیه فرعی اول

متغیرها	ضریب	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
ثابت	۱/۷۳۸	۳۰/۱۲۴	۰/۰۰۰	معنادار است
مشارکت شهروندی	۰/۶۵۶	۱۶/۹۹۰	۰/۰۰۰	معنادار است
آماره F فیشر		۲۸۸/۶۷۴		
معناداری آماره		۰/۰۰۰		
ضریب تعیین		۰/۴۳۰		
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۲۹		

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود، مدل ارائه شده به ازای مولفه مشارکت شهروندی و مقدار ثابت معنادار است. همانطور که در این جدول مشاهده می شود، مشارکت شهروندی با میزان ضریب (۰/۶۵۶) دارای تاثیر مثبت معناداری بر متغیر وابسته حس تعلق مکانی هستند.

همچنین برای ارزیابی برازش مدل، از آماره F و ضریب تعیین استفاده شده است که نتایج ارائه شده در جدول ۲ نشان می دهد که آماره F فیشر دارای سطح معنادار (۰/۰۰۰) است و این نشان می دهد که مدل رگرسیون معنادار و معتبر است. همچنین با توجه به ضریب تعیین ارائه شده می توان گفت که حدود ۴۳ درصد از متغیر وابسته حس تعلق مکانی توسط مدل پیشنهادی تعیین می شود. بنابراین فرضیه فرعی اول مورد تایید قرار می گیرد.

آزمون فرضیه دوم: بین کیفیت محیط زندگی و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد رابطه معناداری وجود دارد. به منظور آزمون این فرضیه ابتدا به بررسی ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته پرداخته می شود که نتایج در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۳): همبستگی بین مولفه کیفیت محیط زندگی و حس تعلق مکانی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
کیفیت محیط زندگی	-۰/۰۵۴	۰/۲۹۰

نتایج ضریب همبستگی ارائه شده در جدول بالا نشان می دهد که آزمون همبستگی بین کیفیت محیط زندگی و حس تعلق مکانی دارای سطح معناداری (۰/۲۹۰) است که از میزان ۰/۰۵ بیشتر بوده و معنی دار نیست. بنابراین می توان نتیجه گرفت بین کیفیت محیط زندگی و حس تعلق مکانی همبستگی معناداری وجود ندارد. در ادامه به بررسی آزمون رگرسیون برای این فرضیه تحقیق پرداخته می شود که نتایج آن در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۴): نتایج آزمون رگرسیون برای فرضیه فرعی دوم

متغیرها	ضریب	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
ثابت	۲/۵۹۰	۳۰/۳۸۴	۰/۰۰۰	معنادار است
کیفیت محیط زندگی	۰/۰۵۹	۱/۱۶۲	۰/۲۶۴	معنادار نیست
آماره F فیشر		۱/۳۵۱		
معناداری آماره		۰/۲۴۶		
ضریب تعیین		۰/۰۰۴		
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۰۰۱		

همانطور که در جدول ۴- مشاهده می شود، نتایج آماره F برای برازش مدل نشان می دهد که آماره F فیشر دارای سطح معنادار (۰/۲۴۶) است و این نشان می دهد که مدل رگرسیون معنادار نیست و هیچ گونه رابطه معناداری بین کیفیت محیط زندگی و حس تعلق مکانی وجود ندارد و فرضیه مورد تایید قرار نمی گیرد.

آزمون فرضیه سوم: بین دسترسی به منابع و امکانات و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد رابطه معناداری وجود دارد. به منظور آزمون این فرضیه ابتدا به بررسی ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته پرداخته می شود که نتایج در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۵): همبستگی بین مولفه دسترسی به منابع و امکانات و حس تعلق مکانی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
دسترسی به منابع و امکانات	۰/۱۳۷	۰/۰۰۷

نتایج ضریب همبستگی ارائه شده در جدول بالا نشان می دهد که آزمون همبستگی بین دسترسی به منابع و امکانات و حس تعلق مکانی دارای سطح معناداری (۰/۰۰۷) است که از میزان ۰/۰۵ کمتر بوده و معنی دار است. بنابراین می توان نتیجه گرفت بین دسترسی به منابع و امکانات و حس تعلق مکانی همبستگی مثبت و معناداری به میزان ۰/۱۳۷ وجود دارد. در ادامه به بررسی آزمون رگرسیون برای این فرضیه تحقیق پرداخته می شود که نتایج آن در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۶): نتایج آزمون رگرسیون برای فرضیه فرعی سوم

متغیرها	ضریب	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
ثابت	۱/۸۱۵	۳۴/۷۶۱	۰/۰۰۰	معنادار است
دسترسی به منابع و امکانات	۰/۶۶۴	۱۷/۳۶۰	۰/۰۰۰	معنادار است
آماره F فیشر		۳۰۱/۳۸۲		
معناداری آماره		۰/۰۰۰		
ضریب تعیین		۰/۴۴۱		
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۴۰		

همانطور که در جدول مشاهده می شود، مدل ارائه شده به ازای مولفه دسترسی به منابع و امکانات و مقدار ثابت معنادار است. همانطور که در این جدول مشاهده می شود، مشارکت شهروندی با میزان ضریب (۰/۶۶۴) دارای تاثیر مثبت معناداری بر متغیر وابسته حس تعلق مکانی هستند.

همچنین برای ارزیابی برازش مدل، از آماره F و ضریب تعیین استفاده شده است که نتایج ارائه شده در جدول نشان می دهد که آماره F فیشر دارای سطح معنادار (۰/۰۰۰) است و این نشان می دهد که مدل رگرسیون معنادار و معتبر است. همچنین با توجه به ضریب تعیین ارائه شده می توان گفت که حدود ۴۴ درصد از متغیر وابسته حس تعلق مکانی توسط مدل پیشنهادی تعیین می شود. بنابراین فرضیه مورد تایید قرار نی گیرد.

آزمون فرضیه چهارم: بین توسعه پایدار اجتماعی و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد رابطه معناداری وجود دارد. به منظور آزمون فرضیه اصلی ابتدا به بررسی ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته پرداخته می شود که نتایج در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۷): همبستگی بین توسعه پایدار اجتماعی و حس تعلق مکانی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
توسعه پایدار اجتماعی	۰/۴۳۲	۰/۰۰۰

نتایج ضریب همبستگی ارائه شده در جدول نشان می دهد که آزمون همبستگی بین توسعه پایدار اجتماعی و حس تعلق مکانی دارای سطح معناداری (۰/۰۰۰) است که از میزان ۰/۰۵ کمتر بوده و معنی دار است. بنابراین می توان نتیجه گرفت بین توسعه پایدار اجتماعی و حس تعلق مکانی همبستگی مثبت و معناداری به میزان ۰/۴۳۲ وجود دارد که مقدار نسبتاً بالایی است.

در ادامه به تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره پرداخته می شود. خلاصه مدل رگرسیونی برای پیش بینی حس تعلق مکانی بر اساس مولفه های توسعه پایدار اجتماعی در جدول آورده شده است.

جدول (۸): خلاصه مدل رگرسیون خطی برای پیش بینی حس تعلق مکانی

مدل	R	مجدور R	تعدیل شده مجدور R	برآورد خطی استاندارد
اینتر	۰,۲۰۷	۰,۰۴۳	۰,۰۳۵	۰,۴۲۷۱۱۲۶۵

بر اساس جدول بالا، مقدار R برابر با ۰/۲۰۷ است که نشان دهنده همبستگی بین متغیرهای مستقل و حس تعلق مکانی به عبارتی شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می دهد.

مقدار تعدیل شده مجدور R نشان می دهد که چه مقدار از متغیر وابسته یعنی حس تعلق مکانی، می تواند توسط متغیرهای مستقل، تبیین شود. در این فرضیه متغیرهای مستقل می تواند حدود ۲۱ درصد از تغییرات متغیر حس تعلق مکانی را تبیین کند.

جدول (۹): تحلیل آنوا برای پیش بینی حس تعلق مکانی بر اساس توسعه پایدار اجتماعی

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورت	آماره F	سطح معناداری
اینتر	۳,۱۰۵	۳	۱,۰۳۵	۵,۶۷۴	۰,۰۰۱
	۶۹,۳۲۲	۳۸۰	۰,۱۸۲		
	۷۲,۴۲۷	۳۸۳	-		

جدول (۹) نشان می دهد که آیا مدل رگرسیون می تواند به طور معناداری (و مناسبی) تغییرات متغیر وابسته (حس تعلق مکانی) را پیش بینی کند. برای بررسی معناداری به ستون آخر جدول (سطح معناداری) نگاه می کنیم. این ستون معناداری آماری مدل رگرسیون را نشان می دهد که چنانچه میزان به دست آمده کمتر از ۰/۰۵ باشد نتیجه می گیریم که متغیرهای مستقل، پیش بینی کننده خوبی برای متغیر حس تعلق مکانی هستند. همانطور که مشاهده می شود میزان معناداری کمتر از میزان ۰/۰۵ است که بیانگر این است که مدل رگرسیونی معنادار است.

جدول (۱۰): ضرایب بدست آمده از پیش بینی حس تعلق مکانی

سطح معناداری	آماره t	ضرایب استاندارد نشده		مولفه های رگرسیون
		Beta	خطای استاندارد B	
۰,۰۰۰	۱۶,۴۳۶		۰,۱۴۸	ثابت
۰,۰۰۴	۲,۸۶۹	۰,۱۴۴	۰,۰۳۴	مشارکت شهروندی
۰,۲۷۷	-۱,۰۸۸	-۰,۰۵۵	۰,۰۲۹	کیفیت محیط زندگی
۰,۰۰۷	۲,۷۰۰	۰,۱۳۶	۰,۰۳۲	دسترسی به منابع و امکانات

در قسمت پایانی این تحلیل، ضرایب رگرسیون برای پیش بینی متغیر حس تعلق مکانی بر اساس سه مولفه توسعه پایدار اجتماعی در جدول بالا نشان داده شده است. آزمون انجام شده نشان می دهد که تمامی متغیرهای مستقل غیر از مولفه کیفیت محیط زندگی دارای تاثیر معناداری هستند ($P < 0/001$) و فقط ضرایب محاسبه شده برای متغیر کیفیت محیط زندگی معنی دار نیست. بنابراین برای پیش بینی متغیر حس تعلق مکانی از روی مولفه های توسعه پایدار اجتماعی می توان معادله زیر را نوشت:

$$۲/۴۳۴ + دسترسی به منابع و امکانات \times ۰/۱۳۶ + مشارکت شهروندی \times ۰/۱۴۴ = حس تعلق مکانی$$

نتیجه گیری و پیشنهادات

فرضیه اول: بین میزان مشارکت شهروندی و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی و رگرسیون ارائه شده در فصل چهارم نشان داده که بین میزان مشارکت شهروندی و حس تعلق مکانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و این فرضیه مورد تایید قرار گرفت.

در تبیین نتایج به دست آمده می توان این گونه بیان نمود که در واقع اگر شهروندان جامعه احساس کنند که در نهایت با مشارکت شهروندی در توسعه اجتماعی بدون متحمل شدن هزینه گزاف، سود کسب می کنند، احتمال موافقت و تبادل با جامعه افزایش پیدا می کند؛ از طرف دیگر اگر ساکنان جامعه احساس کنند که هزینه های مشارکت اجتماعی بیشتر از منافع آن است، با این نوع از

مشارکت مخالف هستند. بنابراین بر این اساس می‌توان گفت که منافع و هزینه‌های درک شده به عنوان متغیر میانجی، حلقه ارتباط بین حس تعلق به مکان و مشارکت شهروندی هستند.

نتایج به دست آمده از این فرضیه با نتایج کبیر (۱۳۹۸) و عباس بیابانی (۱۳۹۵) همخوانی داشت.

فرضیه دوم: بین کیفیت محیط زندگی و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی و رگرسیون ارائه شده در فصل چهارم نشان داده که بین کیفیت محیط زندگی حس تعلق مکانی رابطه معناداری وجود ندارد و این فرضیه مورد تایید قرار نگرفت.

دلیل رد این فرضیه می‌تواند این باشد که پاسخ دهندگان درک صحیحی از کیفیت محیط خود نداشته‌اند. کیفیت مفهوم پیچیده‌ای است که با توجه به موقعیت‌ها و شرایط گوناگون معانی متفاوتی دارد. بشر امروزه همیشه به خدمات با کیفیت بالا نیاز داشته است؛ ولی فهم مفهوم کیفیت فرایند آن، تغییرات زیادی در ذهن ایجاد می‌کند (زرن گولرسوی، اوز سوی، تزر، گنلی ایگیتزر و وان پول^۱، ۲۰۰۹). در این راستا، کیفیت محیط که بخشی از قابلیت‌های محیطی باشد (لنگ، ۱۳۸۳)، بر اساس ادراک محیطی افراد بررسی می‌شود. در این راستا می‌توان بیان داشت ادراک محیطی فرایندی است که از طریق آن انسان داده‌های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود برمی‌گزیند و می‌تواند عوامل مختلفی منحرف شود؛ بنابراین، می‌توان آن را هدفمند دانست که به فرهنگ، نگرش و ارزش حاکم بر تفکر ادراک‌کننده بستگی دارد. درحقیقت، ادراک محیطی از تعامل ادراک حسی و شناخت که در ذهن انسان تجربه شده‌اند، حادث می‌شوند. در این فرایند نقش محیط به‌عنوان عامل اساسی در رشد، توسعه و درنهایت، در یادگیری مورد توجه قرار می‌گیرد (مطلبی، ۱۳۸۰).

زالای^۲ (۱۹۸۰) بر این باور است که کیفیت محیط‌زندگی مفهومی ثابت نیست و به‌صورت مداوم در حال تغییر و تحول می‌باشد. هنگامیکه ما با مفهومی در حال تغییر مواجه هستیم. تفرق آرا و نبود یکسانی، موضوعی طبیعی است. برخی از مفاهیم که در ابتدای پیدایش به‌صورت یک مفهوم مبهم مطرح می‌شوند، در پی تحقیقات بیشتر و تخصصی‌تر می‌توانند روشن‌تر شوند. عده‌ای نیز بر این باور هستند که یکسانی در مفاهیم ضرورتاً واجب نیست. کیفیت محیط به‌مثابه یک مفهوم دربرگیرنده نظریات مختلف مربوط به جنبه‌های گوناگون کیفیت محیطی است که چندبعدی است ممکن نیست (برقی و همکاران، ۱۳۹۳).

نتایج به دست آمده از این فرضیه با نتایج کبیر (۱۳۹۸) همخوانی نداشت.

فرضیه سوم: بین دسترسی به منابع و امکانات و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی و رگرسیون ارائه شده در فصل چهارم نشان داده که بین دسترسی به منابع و امکانات و حس تعلق مکانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و این فرضیه مورد تایید قرار گرفت.

در تبیین نتایج به دست آمده از این فرضیه می‌توان اینگونه استدلال نمود که دسترسی به منابع و امکانات یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی در شهرها است. عدم تعادل فضایی و افزایش فاصله نواحی مختلف در تجربه‌های شهرنشینی، محقق نشدن فرصت‌های برابر اجتماعی برای آموزش، برخورداری سلامت و دسترسی به سرمایه‌های مالی و فیزیکی، شرایطی است که عمدتاً به دنبال این مسایل به وقوع پیوست (احدنژاد روشتی و همکاران، ۱۳۹۵) و تمامی این عوامل می‌تواند بر حس تعلق مکانی افراد تاثیرگذار باشد. نتایج به دست آمده از این فرضیه با نتایج کبیر (۱۳۹۸) همخوانی داشت.

فرضیه چهارم: بین توسعه‌ی پایدار اجتماعی و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی و رگرسیون ارائه شده در فصل چهارم نشان داده که بین توسعه‌ی پایدار اجتماعی و حس تعلق مکانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و این فرضیه مورد تایید قرار گرفت.

^۱-Zeren Gulersoy, Ozsoy, Tezer, Genli Yigiter, Gunay, & Van poll

^۲-Zallay

برای ایجاد سکونت گاه‌های پایدار اجتماعی، پایداری نه تنها باید مباحث انرژی، محیط زیست، اکولوژی و سایر مقولات از این دست را در برگیرد؛ بلکه باید در معنایی وسیعتر، بستر تعالی روح انسان باشد. این دیدگاه یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار است که به آن پایداری اجتماعی می‌گویند. با توسعه شهرها و تمرکز فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی در مراکز شهری، توجه به اصل پایداری اجتماعی هر چه بیشتر ضرورت پیدا می‌کند. فضاهای مسکونی امروز از درک روح انسانی و تعلق اجتماعی به دور شده‌اند و به همین دلیل توجه به عوامل مؤثر در تعلق به مکان در محله‌های سنتی و تعمیر آن به واحدهای همسایگی امروز یکی از ضرورت‌های مهم در محیط‌های مسکونی می‌باشد. انسان محوری و حس تعلق شهروندان به شهر جزء اصلترین عوامل پایداری شهری-اجتماعی محسوب می‌شود، زیرا عدم چنین حس تعلقی به محیط زیست، موجباز خود بیگانگی افراد و اغتشاش هویتی می‌گردد (عرفاتی و دشتی تهرانی، ۱۳۹۵).

به طور کلی این پژوهش با دیدگاه اجتماعی مباحث مربوط به حس مکان، پرداخت به این موضوع را روشن نمود که برای تحکیم حس مکانی ساکنان محلات مختلف باید به سطح توسعه‌ی اجتماعیمحلات توجهیام داشت زیرا بر اساس این پژوهش، توسعه پایدار اجتماعی با حس تعلق مکانی رابطه‌ای مستقیم داشته است. بنابراین توسعه پایدار اجتماعی به عنوان یک زیربخش توسعه می‌تواند باعث ارتقای حس سکونت در محلات شهری شود.

نتایج به دست آمده از این فرضیه با نتایج کبیر (۱۳۹۸)، معظمی گودرزی (۱۳۹۷)، ضرغامی و همکاران (۱۳۹۶) و عرفاتی و دشتی تهرانی (۱۳۹۵) همخوانی داشت.

با توجه به تایید رابطه بین توسعه‌ی پایدار اجتماعی و حس تعلق مکانی در شهر بروجرد پیشنهاد می‌شود زمینه هرچه بیشتر و پایدار، توسعه اجتماعی در تمای سطوح جامعه و تمامی قشرهای جامعه را فراهم آورند. لازمه این کار است که خصوصیات اجتماعی شهر بروجرد به طور خاص شناسایی شده و برنامه‌های مدون توسعه پایدار اجتماعی بر اساس آنها سازماندهی و تدوین شود. شهر بروجرد به دلیل قدمت و سابقه شهرنشینی زیاد و همچنین همجواری با شهرهای بزرگی همچون اراک و همدان، از پتانسیل توسعه‌ای بالایی برخوردار است که امید است با همت و توجه مسئولان و دست در اندرکان این خطیه، شاهد رشد و توسعه اجتماعی هرچه بیشتر توسعه این شهر باشیم.

منابع

۱. بذرافشان، جواد، طولابی نژاد، مهرشاد، اسکئی، هانیه. (۱۳۹۷). بررسی آثار حس تعلق مکانی بر بازساخت فضای-کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان نه، شهرستان نهبندان). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۰(۴)، ۷۹۱-۸۰۷.
۲. جاودان، مجتبی و عبدالرضا رکن الدین افتخاری (۱۳۸۹): «اندازه‌گیری شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی در حوزه‌های روستایی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، مورد: بخش سربند (شهرستان سازند -استانمرکزی)»، فصلنامه کاربرد RS و GIS در برنامه ریزی، شماره ۷، تهران، صص ۴۵-۱.
۳. حسینی بایگی، سیده شیما و اکبری عریانی، محمد. (۱۳۹۳). بررسی عوامل ایجادکننده‌ی حس مکان و حس تعلق به عنوان شاخصی برای پایداری اجتماعی در خیابان طبرسی مشهد، دومین همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری با رویکرد پدافند غیر عامل در معماری و شهرسازی، قم، انجمن علمی پدافند غیرعامل ایران، شرکت پنام خط نوین
۴. رضوانی، مطیعی لنگرودی، پورطاهری، و عزیزی. (۱۳۹۴). مهاجرپذیری و توسعه پایدار اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای مهاجرپذیر منطقه کلانشهری تهران. فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه ریزی منطقه‌ای، ۱۹(۵)، ۷۱-۸۴.
۵. رضوانی، محمدرضا؛ اکبریانی رونیزی، سعیدرضا؛ رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و سیدعلی بدری (۱۳۹۱): «تبیین شاخص‌های محکک پایداری در ارزیابی آثار الگوهای گردشگری در نواحی روستایی پیرامون کلان شهرها (مطالعه موردی: نواحی روستایی پیرامون کلان شهر تهران)»، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۱، تهران، صص ۹۴-۶۹.

۶. زاهدی، شمس السادات و غلامعلی نجفی (۱۳۸۵) بسط مفهومی توسعه پایدار، فصلنامه مدرس علوم انسانی: دوره ۱۰، شماره ۶، ص ۶۳-۶۴
۷. شیخی محمد، امینی سعیده، نظامی آناهیتا. (۱۳۹۴) مطالعه تطبیقی حس تعلق مکانی در سکونتگاه های رسمی و غیررسمی (مورد مطالعه: شهر جدید پرند و نسیم شهر). فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۹
۸. ضرغامی، اسماعیل؛ امیدی، میلاد و اکبری فر، سجاد. (۱۳۹۶)، راهکارهای افزایش حس تعلق و پایداری اجتماعی در مجتمع های مسکونی، پنجمین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران، دبیرخانه دایمی کنفرانس
۹. عرفاتی، دل آرام، دشتی تهرانی، مهران. (۱۳۹۵) نقش حس تعلق مکانی در دستیابی به اهداف پایداری اجتماعی، کنفرانس بین المللی نخبگان عمران، معماری و شهرسازی، تهران، موسسه سرآمد همایش کارین
۱۰. علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۸) الگوی مشارکت در جامعه مردم سالار، ماهنامه شهرداری ها، ش ۸
۱۱. فلاحت، م. ص (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، ص ۵۷ - ۶۶.
۱۲. قاسمی، وحید و نگینی، سمیه (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله ای در شهر اصفهان، مطالعات پژوهش - های شهری و منطق های، سال دوم، شماره هفتم، ص ۱۱۳ - ۱۳۶.
۱۳. کبیر، طاهر مسعود. (۱۳۹۸) سنجش حس تعلق مکان در محلات با هسته روستایی (نمونه موردی: محله ایران آباد شهر اردبیل). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، دانشکده علوم انسانی
۱۴. کلانتر، کیانوش و کورش برارپور (۱۳۸۵) الگوهای نوظهور در سنجش پایداری توسعه، تدبیر، شماره ۱۸، ص ۲.
۱۵. معظمی گودرزی، بهاره. (۱۳۹۷) تأثیر حس تعلق و سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار محله ای. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری
۱۶. نقدی، اسدالله، وحدت، سلمان و سجاذاده، حسن. (۱۳۹۵) نقش سرمایه های اجتماعی در دل بستگی به مکان در محلات سنتی (نمونه ی موردی: محلات شهر همدان). مطالعات جامعه شناختی شهری. ۶(۱۸)
۱۷. نوابخش، مهرداد و اسحاق سیاه پوش ارجمند (۱۳۸۸) مبانی توسعه پایدار شهری. تهران، انتشارات جامعه شناسان
۱۸. نوروزی زاده، زهرا. (۱۳۹۴) بازشناسی مولفه های پایداری اجتماعی در مجموعه های مسکونی منطقه ۵ تهران. دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران شرق.

1. City Council of the City of Boulder , (2007) City of Boulder social sustainability strategic plan, Department of Housing and Human services, p:10
2. Colantonio, Andrea, (2008) social sustainability: linkage Research to policy and practice, Oxford Institute for sustainable Development (OISD), Oxford Brookes University, p: 3-4
3. Drakakis-Smith D., (1995): Third World Cities: Sustainable Urban Development, Urban Studies, Vol. 32, 4- 15.
4. JunxiQiana,b, Hong Zhu a,c,* , Yi Liu d (2011). Investigating urban migrants' sense of place through a multi-scalar perspective, Journal of Environmental psychology 31, 170-183.
5. Lample, (2005) Lise-Aurore, the social dimension of sustainable development and mining industry, Minerals and metals sector, natural resources Canada.p:11
6. Mckenzie Stephen , (2004) social Sustainability: toward some definition, Hawake Research In statute,University of south Australia, Magill, South Australia, p:1
7. Saches, I, (1999) social sustainability and whole development: exploring the dimensions of sustainable development, Zed Books, Londo, p: 27
8. Tanguay, Georges A., 2009 measuring the sustainability of Cities: A survey-based analysis of the use of local indicators, scientific series, Montreal, p: 1